

تحلیل رفتارهای جنسی محرم در رویکرد فقه امامیه با تمرکز بر نگاه، لمس، بوسیدن و ملاعبه

احمد صابری مجد^۱
فرزانه کرمی^۲
زینب رحمانی^۳
علی اکبر ربیعی^۴

چکیده

یکی از اهداف حج، تقویت اراده و رشد معنوی است و حرمت برخی از رفتارهای جنسی حلال و قراردادن کفاره برای مرتکبین آن در حال احرام را می‌توان از این جهت به شمار آورد. از این جهت مواردی همچون نگاه، لمس، بوسیدن و ملاعبه، با عنوان رفتارهای جنسی مُحرم، قابل مطالعه است. این نوشتار، با رویکرد تحلیل منابع فقهی، حکم فقهی، تعلق کفاره و میزان آن را نسبت به نظر، لمس، تقبیل و ملاعبه در حال احرام بررسی می‌نماید. این پژوهش به روش توصیفی تحلیلی و با ابزار کتابخانه‌ای انجام شده و به این نتیجه رسیده است که حکم حرمت بوسیدن و لمس کردن، مبتنی بر رابطه همسری بوده و چنین رفتارهایی بین مادر و فرزند بدون اشکال است، و جوب کفاره، مترتب بر مطلق بوسیدن است و مقید به شرط خارج شدن منی نیست، حکم کفاره بوسیدن زوج مُحل و همسر مُحرم، و جوب پرداخت کفاره از روی احتیاط است، و جوب کفاره لمس یا در آغوش گرفتن همراه با شهوت، توسط زوج مُحرم مبتنی بر خروج منی نیست و ملاعبه نیز از رفتارهایی استمتاعی است که اگر همراه با خروج منی باشد، کفاره واجب می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: ملاعبه مُحرم؛ و جوب کفاره؛ رفتارهای استمتاعی؛ نگاه مُحرم؛ لمس.

۱. مدرس سطح عالی حوزه علمیه قم و دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی). ahmad.saberimajd@ut.ac.ir

۲. دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه رضوی. (نویسنده مسئول) F_karami91@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه تهران (دانشکدگان فارابی) z.rahmani.r@gmail.com

۴. دانشجوی دکتری فقه و حقوق و جزا دانشگاه شهید مطهری. aa.rabiee@alumni.ut.ac.ir

مقدمه

از اهداف حج ابراهیمی و محمدی صلی الله علیه و آله جهاد نفس و بالندگی روحی است. با توجه به چنین غیایاتی، شارع مقدس برای مناسک حج، شرایط و احکام خاصی را در نظر گرفته است. با توجه به رویکرد تکامل معنوی، فقه اسلامی در حوزه مسائل جنسی، تکالیف خاصی را برای مکلفین وضع کرده است؛ در همین راستا، شارع مقدس، ضمن محترم شمردن و به رسمیت شناختن حق جنسی هر یک از زوجین، با توجه به خصوصیت خاص حج، تدابیری بازدارنده از جمله وضع احکام حرمت و کفاره که برای مدیریت و استفاده هرچه بهتر و کامل تر از این سلوک معنوی و نیز برای حفظ و رشد روحی مکلف اتخاذ شده است.

شناخت و بیان انواع رفتارهای جنسی و تحلیل هر یک از آنها با توجه به منابع فقهی ضروری است؛ چرا که گوناگونی چنین رفتارهایی نسبت به مُحرم، دارای حکم واحد نبوده و هر یک از آنها در روایات به طور فراوان مناقشه جدی شده و تعارضاتی در روایت این باب دیده می شود. آنچه که از اهمیت بالاتری در این مسئله برخوردار است، تحلیل روایات و نحوه مواجهه با ادله است. روایات فراوانی که در برخی از موارد متعارض بوده یا بر اساس اعراض مشهور اعتنا نشده است، نیازمند به باز پژوهی دارد. نوع مواجهه با چنین روایاتی نقش مهمی در دستیابی به حکم شرعی داشته و موجب روشن سازی و کشف مسلک و نحوه مواجهه فقهای امامیه در مقابله با چنین روایاتی است که نقش عمده ای در رسیدن به فتوای شرعی بر عهده دارد؛ لذا این پژوهش با ملاک قرار دادن منابع فقهی، حکم هر یک از رفتارهای جنسی که قابلیت ارتکاب برای مُحرم دارد را با توجه به روایات، تحلیل و بررسی می کند.

بنابراین، این مقاله در مقام پاسخ به این سوال اصلی است که احکام رفتارهای جنسی مُحرم چیست؟ نوشتار حاضر درصدد آن است که رفتارهای جنسی نگاه، لمس، بوسیدن و ملاعبه، مطالعه و ارزیابی شده و حکم حرمت و مجازات کفاره را نسبت به هر یک از آنها، با توجه به منابع فقهی معین نماید.

در رابطه با پیشینه پژوهشی مسئله محل بحث، با توجه به جست و جو در پایگاه های علمی، پژوهشی مستقل با چنین عنوانی یافت نشد؛ اما فتاوی فقهی به عنوان پیشینه مطرح است؛ ولی

هنگامی که با روایات این بحث مواجهه صورت می‌پذیرد، گزینش مبنای دقیق در اعتبار یک روایت و اتخاذ مبنا، مبتنی بر شیوه تعارض زدایی و وجه جمع بین روایات، نقش موثری در دستیابی به حکم شرعی ایفا می‌نماید. تحلیل آراء فقها بر اساس مراجعه به روایات این بحث و بازپژوهی آن و فهم نوین از روایات، می‌تواند نقش مهمی در کشف حکم شرعی داشته باشد و راهکارهای مواجهه و تحلیل رویکردها در شیوه برخورد با چنین روایاتی، از دست آوردهای نوین این پژوهش به حساب می‌آید.

۱- تبیین مسئله

۱-۱- فلسفه تحریم رفتارهای جنسی مُحرم

غریزه جنسی یکی از مهم‌ترین غرائز انسانی شمرده می‌شود که اگر ارضای آن به‌طور صحیح و مطابق با دستورات خداوند صورت پذیرد، دارای ابعاد تربیتی فراوانی خواهد بود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۳: ۲۶۵). در آیات فراوانی از جمله آیه ۱۴ سوره آل عمران، این میل به رسمیت شناخته شده و تحت سیطره عقل و شرع قابل هدایت و تربیت دانسته شده است. از جمله عباداتی که در کنترل غریزه جنسی نقش به‌سزایی دارد، اعمال حج بوده و از فلسفه‌های مهم تحریم غریزه جنسی مُحرم، توجه به این بُعد تربیتی است که در روایات به آن تاکید شده است.

در روایتی از امام رضا علیه السلام چنین آمده است که «علت حج، میهمانی به سوی خداوند و باز داشتن نفس از شهوت‌ها و لذت‌ها و باز داشتن نفس از فساد است.» (ابن بابویه، ۱۴۰۸: ۲/۴۰۴)؛ لذا فلسفه تحریم کام‌جویی جنسی، تقویت خویش‌داری و کنترل غریزه جنسی به حساب می‌آید.

۱-۲- منحصر بودن حکم بوسیدن و لمس کردن به رابطه همسری

روایات بسیاری بر حرمت بوسیدن و لمس کردن مُحرم در اثناء احرام آمده است که بر اساس آن می‌توان این رفتارها را منحصر در رابطه همسری دانست. روایت صحیح مسمع ابی سیار از امام صادق علیه السلام در رابطه با حرمت لمس و نگاه چنین آورده است: «مسمع ابی

سیار گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: ای ابا سیار! حکم مُحْرَم سخت است؛ پس هرکس همسرش را بدون شهوت ببوسد بر اوست که یک رأس گوسفند قربانی کند و هر مُحْرَمی همسرش را با شهوت ببوسد و انزال نماید بر اوست که یک نفر شتر قربانی کند و از پروردگارش طلب آموزش نماید و هرکه با شهوت دست به همسرش بزند، پس بر اوست یک رأس گوسفند قربانی کند و هرکه به شهوت بر همسرش نگاه کند و انزال نماید بر اوست که یک شتر قربانی کند و هرکه بدون شهوت به همسرش دست بزند یا او را بدون شهوت در آغوش گیرد، چیزی بر او نیست.»^۱ (طوسی، ۱۳۶۳: ۲/۱۹۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۳۷۶)

بر اساس این روایت، رفتارهای جنسی همانند بوسیدن، چه با شهوت و چه بدون شهوت، حرام است. این حکم برای این است که بوسیدن بین رابطه همسری به عنوان رفتاری جنسی است که سرشتی جنسی و رفتاری استماعی دارد. این بوسیدن در حال احرام، در رابطه بین مادر و فرزند، بر اساس روایات بدون اشکال تصور شده است. در حدیثی از امام صادق علیه السلام چنین آمده است^۲ که حسین بن حماد گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم: مُحْرَم می تواند مادرش را ببوسد؟ فرمود: ایراد ندارد. این بوسه رحمت است، تنها بوسه شهوت مکروه است.» (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۱۳/۱۳۹؛ کلینی، ۱۳۴۲: ۴/۳۷۷)

۱-۳- وجوب کفاره در مطلق بوسیدن یا به شرط خروج منی

سؤال قابل طرح در این مسئله این است که کفاره مترتب بر مطلق بوسیدن است یا بوسیدن به شرط خارج شدن منی است؟ برای پاسخ به این سؤال، روایات این بحث ارزیابی و تحلیل می شود.^۳

حلبی گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم: اگر او را ببوسد چه؟ فرمود: این سخت تر است، باید یک نفر شتر قربانی کند.» (فیض کاشانی، ۱۴۲۷: ۲۲/۶۳۵؛ کلینی، ۱۳۴۲: ۶/۱۴۷) در

۱. یا ابا سیار إنَّ حَالَ الْمُحْرَمِ صَيِّقَةٌ فَمَنْ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ عَلَى غَيْرِ شَهْوَةٍ وَ هُوَ مُحْرَمٌ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٍ وَ مَنْ قَبَّلَ امْرَأَتَهُ عَلَى شَهْوَةٍ فَأَمَّنِي فَعَلَيْهِ جَزْرٌ وَ يَسْتَعْفِرُ رَبَّهُ وَ مَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ بِيَدِهِ وَ هُوَ مُحْرَمٌ عَلَى شَهْوَةٍ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٍ وَ مَنْ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ نَظَرَ شَهْوَةٍ فَأَمَّنِي فَعَلَيْهِ جَزْرٌ وَ مَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ أَوْ لَأَزَمَهَا مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ فَلَا سَاءَ عَلَيْهِ.
۲. قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام عَنِ الْمُحْرَمِ يَقْبَلُ أُمَّهُ قَالَ لَا بَأْسَ هَذِهِ قُبْلَةٌ رَحْمَةٌ إِنَّمَا يَكْرَهُ قُبْلَةُ الشَّهْوَةِ.
۳. قُلْتُ الْمُحْرَمُ يَصْغُ يَدَهُ بِشَهْوَةٍ قَالَ يَهْرِيْقُ دَمٌ شَاةٍ قُلْتُ فَإِنْ قَبَّلَ قَالَ هَذَا أَشَدُّ يَنْحَرُ بَدَنَةً.

این روایت بوسیدن به طور مطلق آمده است و وجوب کفاره به خروج منی منوط نشده است. در مقابل، روایت صحیحه مسمع ابی سیار از امام صادق علیه السلام وجود دارد که ذکر آن گذشت و وجوب کفاره را مقید به خروج منی کرده است. در این روایت تصریح شده است که اگر مردی همسر خود را از روی شهوت ببوسد و منی از او خارج شود، باید شتری قربانی کند و استغفار نماید.

باتوجه به این دو روایت و رویاروی آن دو، مقتضای قاعده، حمل مطلق بر مقید است؛ لذا وجوب کفاره در صورتی است که بوسیدن همراه با خروج منی باشد. برخی از علمای معاصر نیز قائل به وجوب کفاره شده‌اند و درباره این موضوع فرموده‌اند که جایز نیست مُحرم همسرش را از روی شهوت ببوسد و اگر چنین کند، چه منی از او خارج گردد یا نگردد، باید یک رأس شتر^۱ کفاره بدهد و اگر همسرش را از روی شهوت نبوسد، باید یک گوسفند به عنوان کفاره پرداخت کند. (نوری همدانی، ۱۴۳۰: ۱۰۴؛ تبریزی، ۱۴۲۳: ۲/۲۶۰؛ روحانی، ۱۴۳۵: ۳/۹۵). برخی از فقها در صورت خارج نشدن منی، مسئله را محل تأمل دانسته و بر اساس احتیاط حکم داده‌اند. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۵: ۱/۴۴۳؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۹۰)

۱-۳-۱- نقد و بررسی

نخستین نقد وارد به این دیدگاه این است که ملازمه انگاشتن خروج منی با بوسیدن، امری نادر به حساب می‌آید. در عرف همچنین است که همسران این عمل را انجام داده و منی خارج نمی‌گردد؛ چرا که خروج منی، نیازمند هیجان جنسی فراوان است که غالباً و عاداتاً تنها با بوسیدن حاصل نمی‌شود؛ لذا حمل مطلق بر مقید در این روایت از باب حمل بر فرد نادر است و دارای اشکال است. بر حسب تفاهم عرفی، چنین حملی قابل پذیرش نمی‌باشد؛ چرا که عرف نمی‌پذیرد که عنوانی مطرح شود و مقصود حقیقی از آن یک مورد از صدها مورد باشد و چنین چیزی عاقلانه نیست. (انصاری، ۱۴۰۴: ۱/۱۸۴؛ آخوند خراسانی، بی‌تا: ۳/۳۱۴)

اشکال دیگر وارد بر این وجه جمع این است که طبق مقتضای صحیحه مزبور، در صورت بوسیدن بدون شهوت، کفاره یک گوسفند واجب است و کفاره یک شتر، هنگام خروج منی

۱. شتر معمولی که پنج سال گذاشته و به ششم درآمده است (نجفی، ۱۴، ج ۱۹، ص ۱۳۶).

است؛ لذا در صورت مقید کردن روایت حلبی به وجوب کفاره به خروج منی، مفهوم آن این می شود که اگر منی خارج نشود، کفاره شتر واجب نخواهد بود؛ اما همان طور که گفته شد، بر اساس صحیح مسموع، کفاره گوسفند واجب خواهد بود؛ در نتیجه با صریح روایت که بیان شده که کفاره در بوسیدن اشد از لمس به شهوت است، منافات دارد؛ لذا اگر در لمس با شهوت، کفاره یک گوسفند تعیین شده است و کفاره بوسیدن بدون خروج منی نیز یک گوسفند باشد، این اولویت و اشد بودن در پرداخت کفاره وجود نخواهد داشت.

بر اساس بیان این دو اشکال، سزاوار است که رأی مرحوم طباطبایی قمی و آیت الله وحید خراسانی که قائل به احتیاط وجوبی در وجوب پرداخت شتر در صورت خارج نشدن منی هستند، پذیرفته گردد. (طباطبایی قمی، ۱۴۲۵: ۱/۴۴۳؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۹۰)

۲- بررسی احکام مسئله

۲-۱- حکم کفاره بوسیدن زوج محل و همسر محرم

یکی دیگر از احکام مربوط به رفتارهای جنسی این است که زوج محل است و همسر محرم بوده که این مسئله نیاز به بررسی و تحلیل دارد.

طبق مقتضای قاعده، عدم حرمت بوسیدن زوج محل است؛ لذا کفاره‌ای نیز وجود نخواهد داشت؛ زیرا موضوع ادله حرمت و کفاره، احرام است؛ چه اینکه این طرف دیگر محرم یا محل باشد. برخی از فقها در این مسئله قائل به وجوب پرداخت کفاره گوسفند از روی احتیاط شده‌اند: «إذا قبل المحل زوجته المحرمة فالاحوط ان یکفر بدم شاة» (خوئی، ۱۴۰۹: ۴/۹۸؛ حکیم، بی تا: ۲۱/۱۶۵). برای حکم چنین مسئله‌ای به دو روایت استناد شده است.

در روایتی از زراره چنین آمده است: «از امام باقر علیه السلام پرسیدم: اگر حاجی بعد از طواف نساء همسر خود را ببوسد در حالی که همسرش طواف نساء نکرده باشد، چه صورت دارد؟ امام گفت: شوهر باید یک گوسفند به خاطر انجام این خطا قربانی کند.»^۱ (طوسی، بی تا، ۵/۴۸۵) در روایت دیگری نیز با چنین مضمونی از معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام در کتاب شریف

۱. «أنته سأل أبا جعفر علیه السلام عن رجل قبل امرأته و قد طاف طواف النساء و لم تطف هی، قال: «علیه دم بهریقه من

کافی روایت شده است. (کلینی، ۱۳۴۲: ۴/۳۸۷)

از نظر سندی، روایت اول به دلیل وجود علی بن سندی، ضعیف به حساب می‌آید (خوئی، ۱۳۷۲: ۱۲/۳۰۲) و روایت دوم به دلیل اعتبار سلسله روایت آن، صحیح می‌باشد. (خوئی، ۱۴۱۸: ۲۸/۳۸۴)

مرحوم خوئی درباره روایت اخیر معتقد است که همه اصحاب از روایات دال بر وجوب کفاره اعراض کرده و به مضمون آن عمل نکرده‌اند. ایشان بر اساس مبانی خود، بین اعراض مشهور و اعراض همه اصحاب بر ترک عمل به روایتی، تفصیل قائل شده است. ایشان اعراض مشهور را موجب عدم حجیت ندانسته‌اند؛ بلکه اعراض همه اصحاب را مسقط حجیت روایت می‌دانند.

این تفکیک قائل شدن بین اعراض مشهور و اعراض همه اصحاب، اشکال داشته و مناط چنین تفصیلی روشن نیست؛ برای نمونه، اگر هشتم عالم، عمل به روایتی را ترک نمایند، قطعاً استناد به آن روایت خدشه می‌شود؛ لذا تفاوتی وجود ندارد که اکثریت آن‌ها یا همه آنان از آن اعراض نمایند تا از حجیت ساقط گردد. به علاوه، دیدگاه عدم تأثیر عمل مشهور یا اعراض آن‌ها بر جبران روایت یا ضعف آن، با قواعد اصولی مخالف است؛ زیرا اعراض مشهور یا عمل آن‌ها به آن روایت حاکی از این است که از قرائن اجتهادیه حاصل شده است؛ به گونه‌ای که اگر ما به آن دست می‌یافتیم، این روایات را معتبر نمی‌دانستیم؛ بنابراین بین اعراض مشهور و اعراض همه اصحاب تفاوتی وجود ندارد.

در حقیقت نکته اصلی این اشکال این است که مسئله به حجیت خبر ثقه بازگشت می‌کند، نه حجیت خبر موثق، لذا به همین خاطر است که ارائه وجه مقبول برای تفاوتی که ایشان ذکر نموده دشوار است. اگر بناء بر قول به حجیت خبر موثق، نوعاً باشد (مبنای نگارنده)، در این صورت عمل مشهور یا اعراض آن مؤثر در خصوص وثوق به خبر یا عدم وثوق خواهد بود؛ علی‌الخصوص در این مسئله که اصحاب عمل به این روایت را ترک کرده‌اند؛ در نتیجه دیدگاه مطرح شده صحیح خواهد بود.

بنابراین، به نظر می‌رسد که نتیجه‌ای که ایشان به آن دست یافته صحیح است؛ ولی طریق

وصول به آن متفاوت است. احتیاط در مسئله گرچه وجوبی است؛ ولی به حسب آنچه که ذکر شد، سزاوار است که احتیاط فتوایی باشد؛ مخصوصاً با وجود مخالفت این حکم با مقتضای قاعده‌ای که بیان آن گذشت.

مرحوم سید خوئی پس از ارزیابی روایات، قائل می‌شود که بوسیدن زن مُحرم توسط همسر، بدون اشکال بوده و کفاره‌ای ندارد؛ زیرا نصوص، تنها حرمت و کفاره را شامل مرد مُحرم می‌داند و از آنجا که این امور تبعدی است، نمی‌توان از آن عبور کرد و آن را شامل زن مُحرمه دانست. (خوئی، ۱۴۱۸: ۲۸/۳۸۴)

این دیدگاه دارای اشکال است؛ چراکه این حرمت از شئون احرام است. همان‌طور که در جماع در حال احرام وجود دارد، با اینکه ادله حرمت برای مرد است، ولی اقدام زن نیز حرام شمرده است و هیچ‌یک از فقها قائل به جواز جماع نشده است (موسوی سبزواری، ۱۴۱۳: ۱۳/۳۲۳؛ شییری زنجانی، ۱۳۷۹: ۱۰۶؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷: ۱/۳۴۶؛ حلی (محقق)، ۱۴۱۴: ۳/۳۴۹). همچنین طواف نساء، مشترک بین زن و مرد است و برای هیچ‌یک از زن و شوهر استمتاع جنسی قبل از انجام آن حلال نخواهد بود. (سبحانی تبریزی، ۱۳۸۲: ۵/۳۲۷؛ هاشمی شاهرودی، بی‌جا: ۱۷۰)

این مسئله را نباید همچون مسائلی مثل تظلیل و لباس دوخته شده که از احکام خاصه مرد است دانسته شود؛ چراکه این امور با دلیل خاص ثابت شده است که اختصاص به مرد مُحرم دارد؛ بر خلاف استمتاع جنسی که رابطه‌ای دو طرفه است.

۲-۲- حکم لمس کردن مُحرم

لمس کردن زن یا در آغوش گرفتن همراه با شهوت، توسط زوج مُحرم جایز نیست و اگر چنین کند، چه منجر به خروج منی از او شود و چه نشود، کفاره یک گوسفند واجب است. اگر لمس کردن و در آغوش گرفتن و همراهی کردن از روی شهوت نباشد، حرام نبوده و کفاره نیز ندارد. (سند، ۱۴۲۶: ۳/۷۶؛ تبریزی، ۱۴۲۳: ۲/۲۶۴؛ خوئی، ۱۴۱۱: ۹۸؛ مکارم شیرازی، ۱۴۱۶: ۷۷)

برای بررسی حکم این مسئله باید اقتضای ادله‌ای که دربردارنده حرمت استمتاع مُحرم از

زنان است بررسی گردد. خداوند متعال لمس از روی شهوت را از ابتدای احرام، حرام کرده است. روایاتی نیز در این زمینه بر آن دلالت کرده که بررسی می‌شود:

۱. «به امام صادق (علیه السلام) گفتم: اگر حاجی در حال احرام، دست خود را بر اندام همسرش بگذارد، چه صورت دارد؟ امام گفت: اشکالی ندارد. من گفتم: آیا می‌تواند همسر خود را در آغوش بگیرد و از کجاوه فرود آورد؟ امام گفت: مانعی ندارد. من گفتم: اگر در اثنای فرود آوردن همسرش، شهوت او تحریک شود، چه صورت دارد؟ امام گفت: حرجی بر او نیست؛ مگر آنکه از روی خواهش دل به آغوش گرفتن و فرود آوردن او اقدام کرده باشد.»^۱ (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۱۳/۱۳۷؛ طوسی، بی تا: ۵/۳۲۶)؛ در این روایت حکم مسئله، دائر مدار شهوت داشتن و نداشتن قرار گرفته شده است. (ابن بابویه، ۱۴۰۵: ۲/۳۶۲)

۲. «سعید اعرج دربارهٔ مرد مُحرمی که زن را از کجاوه فرود می‌آورد، و برای این کار او را در بر می‌گیرد، از امام صادق (علیه السلام) سؤال کرد؛ پس امام گفت: باکی نیست؛ مگر آنکه او در این کار متعمد، و عملش از روی شهوت و نه از جهت ضرورت فرود آوردن سرزده باشد و او (که شوهر آن زن است) سزاوارتر کسی برای فرود آوردن آن زن است.»^۲ (ابن بابویه، ۱۴۰۵: ۲/۳۶۲)

۳. «مسمع ابی سیار گوید: امام صادق (علیه السلام) به من فرمود: ای ابا سیار! حکم مُحرم سخت است... هرکه با شهوت دست به همسرش بزند، پس بر اوست یک رأس گوسفند قربانی کند... و هرکه بدون شهوت به همسرش دست بزند یا او را بدون شهوت در آغوش گیرد، چیزی بر او نیست.»^۳ (طوسی، ۱۳۶۳: ۲/۱۹۱؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۳۷۶)

حکم مسئله روشن است و موضوع قابل طرح در این مسئله این است که آیا خروج منی، شرط وجوب کفاره است یا خیر؟

۱. عَنْ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) الْمُحْرِمُ يَضَعُ يَدَهُ عَلَى امْرَأَتِهِ قَالَ «لَا بَأْسَ» قُلْتُ فَيَنْزِلُهَا مِنَ الْمُحْمَلِ وَ يَضُمُّهَا إِلَيْهِ قَالَ «لَا بَأْسَ» قُلْتُ فَإِنَّهُ أَرَادَ أَنْ يَنْزِلَهَا مِنَ الْمُحْمَلِ فَلَمَّا ضَمَّهَا إِلَيْهِ أَذْرَكَتْهُ الشَّهْوَةُ قَالَ «لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِلَّا أَنْ يَكُونَ طَلَبَ ذَلِكَ.»
۲. وَ سَأَلَ سَعِيدُ الْأَعْرَجُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): عَنِ الرَّجُلِ يَنْزِلُ الْمَرْأَةَ مِنَ الْمُحْمَلِ فَيَضُمُّهَا إِلَيْهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ فَقَالَ «لَا بَأْسَ إِلَّا أَنْ يَتَعَمَّدَ وَ هُوَ أَحَقُّ أَنْ يَنْزِلَهَا مِنْ غَيْرِهِ.»
۳. يَا أَبَا سَيَّارٍ إِنَّ حَالَ الْمُحْرِمِ ضَيْقَةٌ... وَ مَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ بِيَدِهِ وَ هُوَ مُحْرِمٌ عَلَى شَهْوَةٍ فَلَعَلَّهِ دَمٌ شَاءَ... وَ مَنْ مَسَّ امْرَأَتَهُ أَوْ لَأَزَمَهَا مِنْ غَيْرِ شَهْوَةٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ

مقتضای اطلاق صحیحه مسمع، عدم شرطیت خروج منی است؛ اما با مفهوم روایت صحیحه معاویه بن عمار که از امام صادق (علیه السلام) نقل کرده است منافات دارد. در این روایت چنین آمده است: «اگر او را از روی شهوت، حمل یا لمس کند، چه منی یا مذی از او خارج شود یا نشود، باید گوسفندی کفاره بدهد.»^۱ (طوسی، ۱۳۸۷: ۲/۳۲۲؛ طوسی، بی تا: ۵/۳۲۶). در این روایت، حضرت ملاک و محور را شهوت قرار داده اند نه خروج منی، لذا مفهوم عدم کفاره، در فرض عدم شهوت است.

بنابر آنچه که گفته شد، این روایت دلالتی بر عدم ثبوت کفاره در صورت عدم خروج منی نخواهد داشت؛ چراکه اولاً حمل کردن لمس از روی شهوت در صورت خروج منی و مقید کردن آن صحیح نیست و از باب حمل بر فرد نادر است؛ یعنی بسیار نادر است کسی زوجه خود را لمس کند و منی از آن خارج شود و این امر تنها در بیماران جنسی اتفاق می افتد؛ ثانیاً حکم مسئله صرفاً از حمل مطلق بر مقید دانسته نمی شود؛ بلکه در این مورد، روایتی به طور صریح وجود دارد که تفاوتی بین خروج و عدم خروج منی قائل نیست: «از امام صادق (علیه السلام) پرسیدم: اگر حاجی در حال احرام همسر خود را بر پشت و یا بر دوش خود حمل کند و در اثر آن منی از او خارج شود یا در اثر ملاعبه، مذی از او خارج شود تکلیف او چیست؟ امام گفت: اگر از روی خواهش دل همسر خود را بر دوش بگیرد یا در آغوش بگیرد یا دست بر بدن او بگذارد، باید یک قربانی تقدیم کند؛ خواه منی از او خارج شود یا خیر، خواه مذی او جاری شود یا نشود.»^۲ (طوسی، بی تا: ۵/۳۲۶؛ کلینی، ۱۴۲۹: ۴/۳۷۵؛ حر عاملی، ۱۳۷۲: ۱۳/۱۳۷؛ طوسی، ۱۳۶۳: ۲/۱۹۱؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۷: ۱۳/۶۹۸)

بنابراین، ملاک ارائه شده در این روایت همان لمس از روی شهوت است و طلب شهوت و تعدد داشتن می باشد و خروج و عدم خروج منی دخالتی در حکم مسئله ندارد و از این جهت این روایت دلالتی روشن و تام داشته و جای شک و شبهه در آن نیست؛ اما از جهت سند

۱. فَقَالَ «إِنْ حَمَلَهَا أَوْ مَسَّهَا بِشَهْوَةٍ فَأَمْنَى أَوْ لَمْ يَمْنِ أَوْ أَمَدَى أَوْ لَمْ يَمْدِ فَعَلَيْهِ دَمٌ شَاةٍ.
 ۲. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) عَنْ رَجُلٍ حَمَلَ امْرَأَتَهُ وَهُوَ مُحْرَمٌ فَأَمْنَى أَوْ أَمَدَى فَقَالَ «إِنْ كَانَ حَمَلَهَا أَوْ مَسَّهَا بِشَهْوَةٍ فَأَمْنَى أَوْ لَمْ يَمْنِ أَمَدَى أَوْ لَمْ يَمْدِ فَعَلَيْهِ دَمٌ بِهَرَبَقَةٍ.»

نیازمند به بررسی کامل دارد.

این روایت به دو گونه نقل شده است:

۱. «ما رواه الشيخ عن موسى بن القاسم عن علي بن ابي حمزه عن حماد عن حريز عن محمد بن مسلم». در سلسله حدیث آن از علی بن ابی حمزه بطائنی نقل شده است که درباره وثاقت ایشان دو دیدگاه وجود دارد:

الف. ابن غضائری (خوئی، ۱۳۷۲: ۱۱/۲۱۴)، نجاشی (نجاشی، ۱۴۰۷: ۲۴۹)، شیخ طوسی (طوسی، ۱۳۹۸: ۴۲)، علامه حلی (علامه حلی، بی تا: ۲۳۱) و ابن داوود حلی (حلی، ۱۳۹۲: ۲۵۹) ایشان را پایه گذار وقف و رئیس واقفیه دانسته که به عنوان شخصی مال اندوز معرفی شده است. کشی در رابطه با ایشان از تعبیر «کذاب و متهم» استفاده کرده است (کشی، ۱۳۷۹: ۴۰۳). اکثر رجالی‌ها از جمله سید مرتضی و ابن غضائری و علامه حلی نیز علاوه بر تصریح به ضعیف بودن او، در استدلالات فقهی به روایت وی عمل نکرده اند. با این وجود، مرحوم علامه حلی در برخی از روایات به او استناد کرده است. (علامه حلی، ۱۳۸۱: ۹۶)

ب. دیدگاه دیگر، ثقه دانستن ایشان است که مبتنی بر استناد به مواردی مانند عمل اصحاب به احادیث او و نقل حدیث از او توسط محدثان نامی و مشهور همچون ابن ابی عمیر و ابی نصر بزنطی است. (خوئی، ۱۳۷۲: ۱۱/۲۱۴)

باتوجه به روایات منقولی که در مدح او وارد شده است، او را موثق دانسته‌اند و بزرگانی از جمله مرحوم کلباسی، وثاقت ایشان را در دوران قبل از شهادت امام کاظم علیه السلام تأیید کرده و عقیده فاسده او را موجب عدم وثاقت روایت‌های پیشین او نمی‌دانند. (کلباسی، ۱۳۳۲: ۱۵۱)

البته باید توجه کرد که حدیث ضعیف، بر اساس شرایط نقل و راویان، ویژگی‌های گوناگونی پیدا می‌کند. به نظر می‌رسد در مسائل رجالی، نباید صرفاً به یک راوی توقف کرد و به صرف ذم آن شخص، روایت را به کلی کنار گذاشته شود؛ بلکه لازم است که در مورد آن روایت، موارد دیگر نیز مطالعه شود؛ همانند این سوال که آیا این روایت، موافق با روایات معتبره و صحیحۀ دیگری هست یا خیر؟ که در این صورت، زمانی که آن روایت با اطلاعات موجود در روایات صحیحۀ دیگری که در مقام بوده هم‌نوا و سازگار باشد، می‌تواند به آن توجه کرد.

این مسائل با دقت در مضمون، به دست می‌آید که می‌توان به وسیله آن‌ها، به آن روایت و ثوق نوعی پیدا کرد.

آیت‌الله سبحانی میان حدیث ضعیف با حدیث جعلی تفاوت قائل شده است و چنین می‌فرماید که نقل حدیث جعلی جایز نیست؛ اما حدیث ضعیف، می‌تواند قرینه‌ای برای فهم حدیث صحیح قرار بگیرد. (سبحانی، ۱۴۲۸: ۱/۱۲۴)

۲. دومین نقل روایت از مرحوم شیخ صدوق است که از محمد بن مسلم نقل روایت کرده است. سند این روایت نیز به دلیل وجود علی بن احمد بن عبدالله و احمد بن عبدالله که این دو توثیق نشده‌اند، قابل استناد نیست؛ اما بر اساس مبنایی که ارائه شد و از این جهت که موافق با مضمون روایات مطلق است، این روایت می‌تواند قرینه‌ای برای فهم حدیث صحیح باشد.

۲-۳- حکم ملاعبه مُحْرَم با همسر

در صورتی که مُحْرَم با همسر خود ملاعبه کرده و موجب خروج منی از او شود، یک رأس شتر بر کسی که توانگر است و یک گاو برای کسی که وضع مالی متوسطی دارد و یک گوسفند برای فقیر می‌باشد. (تبریزی، ۱۴۲۳: ۲/۲۶۴؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۵: ۱/۴۴۸؛ خوئی، ۱۴۱۱: ۹۸؛ روحانی، ۱۴۳۵: ۳/۹۵)

شکی نیست که ملاعبه نیز از رفتارهای استماعی است که حرام شمرده می‌شود و اگر این عمل همراه با خروج منی باشد، کفاره نیز واجب خواهد بود. دلیل این حکم را روایت صحیح‌ه عبدالرحمن ابن الحجاج از امام علی علیه السلام می‌توان دانست: «از امام کاظم علیه السلام پرسیدم: اگر کسی در حال احرام یا در روزه ماه رمضان با همسر خود بازی کند تا آن حد که منی از او خارج شود تکلیف او چیست؟ امام گفت: باید همان کفاره‌ای را بپردازد که در مورد مباشرت و جماع باید پرداخت کند.»^۱ (طوسی، بی تا: ۵/۳۲۴؛ کلینی، ۱۳۴۲: ۴/۳۷۶). منظور از کفاره جماع، یعنی در صورت ثروتمند بودن، یک شتر و در صورت عجز، یک گوسفند پرداخت کند. (حر عاملی، ۱۳۷۲: ۱۳/۱۳۱)

۱. عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَعْثُرُ بِأَمْرَاتِهِ حَتَّى يَمْنَى وَهُوَ مُحْرَمٌ مِنْ غَيْرِ جَمَاعٍ أَوْ يَفْعَلُ ذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ «عَلَيْهِمَا جَمِيعًا الْكَفَّارَةُ مِثْلَ مَا عَلَى الَّذِي يَجَامِعُ».

۲-۴- حکم نگاه مُحَرَّم

۲-۴-۱- حکم نگاه مُحَرَّم به زن غریبه

اگر مُحَرَّم با شهوت یا بدون شهوت به زن غریبه‌ای نگاه کند و منی از وی خارج شود، کفاره بر او واجب است. کفاره مقرر، یک رأس شتر بر کسی که توانگر است و یک گاو برای کسی که وضع مالی متوسطی دارد و یک گوسفند برای فقیر می‌باشد؛ اما اگر به آن زن نامحرم نگاه کند (گرچه از روی شهوت باشد)، ولی منی از وی خارج نشود، با وجود اینکه مرتکب حرام الهی شده است؛ لکن کفاره‌ای به گردن او نیست.^۱

نگاه مُحَرَّم می‌تواند به همسر خود یا به زن نامحرم باشد یا گاهی همراه با شهوت و گاهی بدون شهوت است که در همه این حالات امکان دارد همراه با خروج منی باشد یا نباشد؛ لذا بحث در مسئله نگاه به زن غریبه با در نظر گرفتن دو مسئله شهوت و عدم شهوت و همچنین انزال و عدم انزال، بررسی می‌شود.

آنچه که در این بحث سزاوار است که مطرح گردد، دو نکته اساسی است:

نخست آنکه اساس کفاره این مسئله چیست و آیا خصوص نظر مُحَرَّم به زن غریبه است یا اینکه مرکب از نظر و خروج منی می‌باشد؟

دلیل در این بحث به سبب اختلاف در روایات است. در صحیح زراره از امام باقر علیه السلام چنین آمده است: «از امام باقر علیه السلام پرسیدم: اگر حاجی در حال احرام به زن بیگانه‌ای بنگرد و در اثر آن منی از او خارج شود، کفاره آن چیست؟ امام گفت: باید يك شتر و یا گاو قربانی کند و اگر نتواند یک گوسفند قربانی نماید.»^۲ (طوسی، بی تا: ۵/۳۲۵؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۷: ۱۳/۶۹۸) این روایت دلالت بر این دارد که موضوع به دو چیز بستگی دارد که یکی نگاه به

۱. (نوری همدانی، ۱۴۳۰، ص ۱۰۵؛ روحانی، محمد صادق. گردآورنده و شارح مصطفی محمد مصری عاملی. ۱۴۳۵ ه. ق، منهاج الصالحین (صادق روحانی)، بیروت - لبنان، دار بلال للطباعة والنشر، جلد: ۳، صفحه: ۹۶) (صدر، محمد باقر. المؤتمر العالمي للإمام الشهيد الصدر. لجنة التحقيق. ۱۴۳۴ ه. ق، موسوعة الشهيد السيد محمد

باقر الصدر، قم - ایران، پژوهشگاه علمی تخصصی شهید صدر، دار الصدر، جلد: ۱۵، صفحه: ۳۹۸)

۲. عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عليه السلام عَنْ رَجُلٍ مُحَرَّمٍ نَظَرَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَأَنْزَلَ قَالَ «عَلَيْهِ جَزُؤُهُ أَوْ بَقْرَةٌ فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَسَاءَةٌ».

اجنبی و دیگری انزال منی می باشد.

در مقابل، موثقه ابی بصیر وجود دارد که اساس حکم را دایره مدار نگاه می داند. «ابو بصیر از امام صادق (علیه السلام) درباره مرد مُحرمی که به ساق یا فرج زنی نظر می کند تا منی از او خارج شود، سؤال کرد. امام فرمود: اگر توانگر باشد، شتری فربه بر ذمه دارد و اگر وضع مالی متوسطی داشته باشد، گاوی بر ذمه اوست و اگر فقیر باشد، گوسفندی بر ذمه خواهد بود و فرمود: من این غرامت را از آن جهت بر او مقرر نمی کنم که منی از او خارج شده است؛ بلکه از آن جهت بوده که به چیزی نگریسته است که برای او حلال نبوده است.»^۱ (ابن بابویه، ۱۴۰۸: ۲/۳۵۸؛ طوسی، ۱۳۸۷: ۲/۳۲۲؛ مجلسی، ۱۳۸۸: ۹۶/۱۷۰).

این روایت به روشنی دلالت دارد که اساس بحث درباره نگاه به چیزی است که حلال نمی باشد؛ اما قضیه خروج منی، ظاهراً در ثبوت کفاره نقشی ندارد؛ لذا این برداشت را می توان مقتضی تعلیل در روایت دانست.

صدر روایت حسنه معاویه بن عمار نیز همین مسئله را تأکید می کند: «معاویه بن عمار گوید: حضرتش درباره مُحرمی که به غیر همسرش نگاه نمود و انزال کرد فرمود: بر اوست که قربانی کند؛ زیرا که او به چیزی نگاه کرده که بر او حلال نیست.»^۲ (فیض کاشانی، ۱۴۲۷: ۱۳/۶۹۷؛ کلینی، ۱۳۴۲: ۳/۳۷۷).

این حدیث از نظر سند، روایت حسن شمرده می شود و معاویه بن عمار، روایات فراوانی از ائمه اطهار (علیهم السلام) نقل کرده و امامی ثقه است (علوی عاملی، بی تا: ۳/۴۰۵). آنچه که از این روایت برداشت می شود این است که طبق ارتکاذ ذهنی پرسش کننده، خروج منی معیار اصلی در ثبوت کفاره است؛ لذا امام (علیه السلام) در مقام تعلیل در پاسخ بر آمده و چنین می فرماید که کفاره به خاطر نگاه به غیر آنچه که حلال نبوده است، می باشد؛ بنابراین این دو روایت به روشنی

۱. وَ سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) : عَنْ رَجُلٍ مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى سَاقِ امْرَأَةٍ أَوْ إِلَى فَرْجِهَا فَأَمَّتْنِي فَقَالَ «إِنْ كَانَ مُوسِراً فَعَلَيْهِ بَدَنَةٌ وَإِنْ كَانَ وَسَطاً فَعَلَيْهِ بَقْرَةٌ وَإِنْ كَانَ فَقِيراً فَعَلَيْهِ شَاةٌ» وَقَالَ «إِنِّي لَمْ أَجْعَلْ عَلَيْهِ هَذَا لِأَنَّهُ أَمَّتْنِي وَ لَكِنِّي جَعَلْتُهُ عَلَيْهِ لِأَنَّهُ نَظَرَ إِلَيَّ مَا لَا يَحِلُّ لَهُ» .

۲. عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ : فِي مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَأَنْزَلَ قَالَ عَلَيْهِ دَمٌ لِأَنَّهُ نَظَرَ إِلَيَّ غَيْرَ مَا يَحِلُّ لَهُ.

دلالت دارند که معیار کفاره، مرکب از خروج منی و نگاه کردن نیست؛ بلکه صرف نگاه کردن به زن اجنبی است.

مرحوم محقق خوئی در این روایت اخیر معتقداند که اساس، همان خروج منی بوده است که مسبب، نظر حرام به اجنبی است. به دیگر سخن، موضوع در این روایت، مرکب از خروج منی و نگاه کردن است؛ البته ایشان وجه چنین استظهاری را از روایت بیان نفرموده اند.^۱ ممکن است که وجه چنین دیدگاهی این باشد که محقق خوئی چنین احتمال داده‌اند که امام علیه السلام در مقام بیان نفی سببیت خروج منی از اساس نبوده است؛ بلکه در مقام آگاهی دادن به پرسشگر بوده‌اند که خروج منی همه قضیه نیست؛ بلکه مسبب است؛ یعنی از دیدن حرام مسببی است. این تعبیر می‌تواند قابل پذیرش دانست؛ ولی با صراحت تعلیل امام علیه السلام در موقّعه ابی بصیر منافات دارد.

برخی از فقها آنچه را که در ذیل روایت حسنه معاویه بن عمار «و ان لم یکن انزل فلیتق الله و لایعد و لیس علیه شیء» آمده است را دال بر مدخلیت انزال در ثبوت کفاره پنداشته‌اند و اگرچه نگاه کردن به زن غریبه را حرام دانسته، ولی به صرف نگاه، کفاره‌ای واجب نمی‌گردد؛ لذا موضوع، مرکب از نگاه و خروج منی خواهد بود. (خوئی، ۱۴۱۸: ۲۸/۳۸۹)

بنابراین، در صورتی که ذیل این روایت حسنه معاویه بن عمار وجود نداشت، به صراحت امکان حکم به وجوب کفاره به مجرد نگاه کردن به زن غریبه بدون انزال وجود داشت؛ ولی ذیل روایت، این حکم را مرکب در نظر گرفته است.

این روایت از نظر محتوا چالش دارد؛ چرا که این احتمال وجود دارد کلام ابن عمار فتوای او بوده است؛ در نتیجه روایت نبوده و حجت نیست.

برخی از فقها در مقام پاسخ برآمده و چنین معتقداند که بر اساس اسناد، قطعاً آنچه که نقل شده روایت است (خوئی، ۱۴۱۸: ۲۸/۳۸۹). با مذاقه در این سند، از روایت چنین به دست می‌آید که به سبب باب‌بندی روایات، تقطیع صورت پذیرفته است؛ ولی در واقع یک روایت

۱. خوئی، سید ابوالقاسم، . ۱۴۱۸ ه. ق.، موسوعة الإمام الخوئی، قم - ایران، مؤسسة إحياء آثار الإمام الخوئی، جلد: ۲۸، صفحه: ۳۹۰

بیشتر نیست. این تقطیع در کتاب شریف کافی رخ داده و آن در یک باب قرار گرفته شده است؛ علاوه بر این، مرحوم کلینی در مقدمه کتاب کافی تصریح کرده است که به غیر از معصومین، از کسی دیگر نقل روایت نکرده است.

دومین نکته، در رابطه با مقدار کفاره است. بر اساس صحیح زراره که بیان آن گذشت، کفاره مخیره است بین یک رأس شتر و گاو و در صورتی که این دو نباشند، نوبت به گوسفند می‌شود؛ اما بر اساس موثقه ابی بصیر، ترتیب مقرر گردیده است؛ یعنی برای کسی که از نظر مالی در وسعت هست، یک شتر و برای کسی وضع مالی متوسطی دارد یک گاو و فقیر نیز یک گوسفند پرداخت می‌نماید.

۲-۴-۲- حکم نگاه مُحَرَّم به همسر

اگر مُحَرَّم به همسر خود نگاه کند و موجب خروج منی از او شود، کفاره بر او واجب می‌شود. کفاره مقرر می‌تواند، یک رأس شتر^۱ باشد؛ اما اگر نگاه تنها با شهوت باشد، ولی موجب خروج منی نگردد یا اینکه نگاه بدون شهوت بوده و منی خارج گردد، کفاره‌ای بر ایشان واجب نمی‌گردد. (تبریزی، ۱۳۹۱: ۴/۲۲۲؛ وحید خراسانی، ۱۴۲۸: ۹۱؛ طباطبایی قمی، ۱۴۲۵: ۱/۴۴۸؛ روحانی، ۱۴۳۵: ۳/۹۵)

بدون تردید نگاه بدون شهوت مُحَرَّم به همسرش، اگر موجب خروج منی نگردد، اشکالی ندارد. صحیح حلبی بر این حکم دلالت می‌کند: «از محمد حلبی روایت شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدم که: آیا جایز است که مرد مُحَرَّم به زن خود که در حال احرام است نظر کند؟ گفت: باکی نیست.»^۲ (ابن بابویه، ۱۴۰۵: ۳/۳۶۲؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۷: ۱۳/۶۹۹).

سه صورت در این مسئله چالش دارد که به تحلیل و بررسی آن می‌پردازیم:

الف. نگاه از روی شهوت و خروج منی

صورت نخست آن است که نگاه از روی شهوت باشد و موجب خروج منی گردد. بی

۱. شتر معمولی که پنج سال گذشته و به ششم درآمده است.

۲. وَ رَوَى عَنْ مُحَمَّدِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام الْمُحَرَّمُ يَنْظُرُ إِلَى امْرَأَتِهِ وَ هِيَ مُحَرَّمَةٌ قَالَ «لَا بَأْسَ».

شک این عمل حرام و پرداخت کفاره واجب است. صحیح‌ه مسمع ابی سیار از امام صادق علیه السلام بر این حکم دلالت دارد. در این روایت همان‌طور که بیان آن گذشت، نگاه شهوانی همراه با خروج منی، موجب کفاره یک رأس شتر می‌گردد.

روایت حسنه معاویه بن عمار نیز چنین دلالت داشت که اگر مُحرم به همسرش نگاه کند یا با شهوت به او بنگرد و منی از وی خارج گردد، باید یک شتر به‌عنوان کفاره بپردازد.

این دو روایت از نظر دلالت با موثقه اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام در تنافی هستند^۱ (درباره مُحرمی که به همسرش که مُحرم است با شهوت نگاه می‌کند. امام صادق علیه السلام فرمودند: ایرادی ندارد) (طوسی، بی‌تا: ۵/۳۲۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۷: ۱۳/۶۹۹). در این موثقه، امام علیه السلام مُحرمی را که نگاه شهوانی به همسرش کند؛ حتی اگر موجب خروج منی گردد را بدون اشکال دانسته‌اند.

مرحوم صاحب جواهر معتقد است که این موثقه نمی‌تواند در برابر ثبوت اصل کفاره که در دو روایت وجود دارد، تاب‌آوری داشته باشد؛ اما ایشان وجوه این مسئله را ذکر نمی‌نمایند. به نظر می‌رسد که چنین دیدگاهی مبتنی بر این باشد که دو روایت صحیح در مقابل یک روایت موثقه قرار دارد. این دیدگاه پذیرفته نیست؛ چرا که اساساً تعداد روایت، عامل دقیقی برای ترجیح یک روایت نمی‌تواند باشد؛ بلکه ملاک، اساس حجیت است که در این صورت دو روایت صحیح و موثقه، همگی از نظر حجیت در یک درجه هستند؛ زیرا خبر عادل در صورت صداقت و وثاقت پذیرفته می‌شود و عدالت در خبر دهنده، موجب زیاد شدن وثاقت راوی نمی‌گردد؛ همان‌طور که عادل نبودن در خبر ثقه، موجب نقصان وثاقت خبر نمی‌گردد.

مرحوم محقق خوئی معتقد است که هیچ‌یک از اصحاب به چنین روایتی عمل نکرده‌اند؛ لذا چه دلیلی بالاتر از اعراض مشهور می‌توان ارائه داد که چنین اعراضی موجب سقوط حجیت خبر موثقه می‌گردد؛ همان‌طور که بیان شد، این مبنا تحلیل و بررسی گردید؛ ولی پذیرفته نشده است.

دیدگاه دیگر در این مسئله این است که موثقه را حمل بر تقیه دانسته‌اند. ایشان معتقداند

۱. عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام: فِي مُحْرِمٍ نَظَرَ إِلَى امْرَأَتِهِ بِشَهْوَةٍ فَأَمَّنِي قَالَ لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ.

که قطعاً صدور این روایت تقیه‌ای است؛ چراکه با مراجعه به کتاب‌های اهل سنت، همانند ابن قدامه در المغنی مشاهده می‌شود که ایشان هنگامی که با چنین مسئله‌ای مواجه می‌گردد، این‌گونه بیان می‌دارند که مشهور در نزد فقهای عامه، عدم کفاره است و ثبوت کفاره را تنها به ابن عباس منحصر می‌دارد و همچنین قول به عدم کفاره را در مذهب حنفی‌ها و شافعی‌ها منتسب می‌کنند.

باتوجه به این مطلب که حکم عدم وجوب کفاره، مشهور بین فقهای عامه است، چنین می‌توان کشف کرد که روایت به صورت تقیه‌ای صادر شده است یا حداقل می‌توان چنین حدس زد که از آنجا که این روایت موافق و در راستای فتاوی‌ای عامه است، این روایت از حجیت ساقط می‌شود. (خوئی، ۱۴۰۹: ۴/۹۸)

به نظر می‌رسد که چنین دیدگاهی در رابطه با ترجیح دو روایت صحیح‌ه پذیرفتنی باشد؛ چراکه احتمال تقیه بودن روایت به همراه اعراض اصحاب، می‌تواند دلیلی بر ترجیح بر روایت موثقه باشد.

دومین دلیلی که بر حکم حرمت و وجوب کفاره، مبتنی بر نگاه شهوانی به همراه خروج منی می‌توان ارائه داد این است که نگاه با شهوت، نوعی از رفتارهای استمتاعی با زنان می‌باشد که مُحرم با خواندن صیغه احرام، ملتزم به ترک آن‌ها است؛ لذا حرمت آن، مقتضای وجوب اثبات کفاره را دارد؛ همان‌طور که در نصوص به آن اشاره شده است که صید از روی جهل کفاره ندارد؛ لذا ملازمه بین کفاره و حرمت وجود داشته و در این مسئله اقتضای حکم به حرمت وجود دارد.

ب. نگاه از روی شهوت و بدون خروج منی

صورت دوم این است که نگاه شهوانی باشد؛ ولی منی خارج نگردد. آنچه که به‌عنوان دلیل در صورت اول گذشت، دلالت بر حرمت چنین رفتاری دارد؛ اما کفاره در این صورت واجب نیست. می‌توان چنین ادعا کرد که دلیل بر عدم وجوب کفاره در این حالت وجود دارد؛ چراکه صحیح‌ه مسمع، کفاره ترتیبی را مبتنی بر دو عنصر شهوت و خروج منی منوط کرده است و مقتضای مفهوم شرط این است که در صورتی که یکی از این دو عنصر منتفی گردد، کفاره

نیز منتفی می‌گردد.

روایت حسنه معاویه بن عمار نیز به‌عنوان دلیلی بر چنین مفهومی است که می‌گوید در صورتی که منی خارج نشود، کفاره پرداخت یک شتر نیز بر او واجب نیست؛ در این روایت همان‌طور که بیان گردید، چنین آمده است که هنگامی که مُحرم به همسرش بنگردد یا با شهوت به او نگاه کند و منی از او خارج گردد، شتری بر وی به‌عنوان کفاره واجب می‌گردد.

ج. نگاه بدون شهوت و بدون خروج منی

سومین و آخرین صورت از مسئله فوق این است که نگاه به همسر، بدون شهوت باشد. به‌روشنی حکم این مورد عدم حرمت است؛ اگرچه احتمال بعیدی نیز فرض می‌شود که با چنین نگاهی از او منی خارج گردد؛ اما صدر روایت حسنه معاویه بن عمار، به صراحت دال بر عدم حرمت و در نتیجه واجب نشدن کفاره است.

نتیجه‌گیری

انحصار بوسیدن و لمس کردن، مبتنی بر رابطه زناشویی می‌باشد. این بوسیدن در حال احرام، در رابطه بین مادر و فرزند بدون اشکال است.

و جوب کفاره، مترتب بر مطلق بوسیدن است و مقید به شرط خارج شدن منی نبوده و بر اساس احتیاط حکم به پرداخت کفاره می‌شود.

حکم کفاره بوسیدن زوج مُحل و همسر مُحرم، علاوه بر حرمت، وجوب پرداخت کفاره از روی احتیاط را دارد. این حرمت از شئون احرام است؛ چراکه استمتاع جنسی، رابطه‌ای دو طرفه است؛ مانند جماع در حال احرام که با اینکه ادله حرمت درباره مرد است؛ ولی اقدام زن نیز حرام می‌باشد و هیچ‌یک از فقها قائل به جواز جماع نشده‌اند.

لمس کردن زن یا همراهی با او یا در آغوش گرفتن همراه با شهوت توسط زوج مُحرم که مبتنی بر خروج منی نبوده، به‌طور مطلق، کفاره واجب می‌گردد.

ملاعبه نیز از رفتارهایی استمتاعی است که حرام شمرده می‌شود و اگر این عمل همراه با خروج منی باشد، کفاره نیز واجب خواهد بود.

موتَّقه ابی بصیر اساس حکم نگاه مُحرم به زن غریبه را تنها دائر مدار نگاه می‌داند. این برداشت را می‌توان مقتضی تعلیل در این روایت دانست. بر اساس موتَّقه ابی بصیر، کفاره ترتیبی مقرر شده است. برای کسی که از نظر مالی در وسعت هست، یک شتر و برای کسی وضع مالی متوسطی دارد، یک گاو و فقیر نیز یک گوسفند پرداخت می‌نماید.

پرداخت کفاره برای نگاه مُحرم به همسر در صورتی است که از روی شهوت و همراه با خروج منی باشد. چنین دیدگاهی در رابطه با ترجیح دو روایت صحیح بر روایت موتَّقه پذیرفتنی است. اگر نگاه شهوانی باشد، ولی منی خارج نگردد، این رفتار حرام است؛ اما کفاره در این صورت واجب نیست؛ چراکه دلیلی برای آن اقامه نشده است. اگر نگاه به همسر بدون شهوت باشد، به روشنی حکم آن عدم حرمت است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم بن حسین، کفاية الأصول؛ مؤسسة آل البيت (عليهم السلام).
۲. ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن علي بن حسين، الخصال، قم: جماعه المدرسين في الحوزة العلمية بقم، ۱۴۰۳.
۳. _____، علل الشرايع، مؤسسه الاعلمي، ۱۴۰۸.
۴. _____، من لا يحضره الفقيه، دار الاضواء، ۱۴۰۵.
۵. ابن شعبه، حسن بن علي، تحف العقول فيما جاء من الحكم و المواعظ في آل الرسول، مؤسسه انتشاراتي امام عصر (عليه السلام)، ۱۳۹۹.
۶. انصاري، مرتضى بن محمد امين، مطارح الأنظار، به قلم ابوالقاسم كلاتري نوري، مؤسسة آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۰۴.
۷. بحراني، يوسف بن احمد، الحقائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة، بي جا، ۱۳۶۳.
۸. تبريزي، جواد، مناسك الحج، قم: دار الصديقة الشهيدة (عليها السلام).
۹. _____، التهذيب في مناسك العمرة و الحج، قم: دار التفسير، ۱۴۲۳ ه. ق.
۱۰. _____، صراط النجاة، دار الصديقة الشهيدة (عليها السلام)، ۱۳۹۱.
۱۱. حر عاملي، محمد بن حسن، وسائل الشيعة إلى تحصيل مسائل الشريعة، اسلاميه، ۱۳۷۲.
۱۲. حكيم، سيد محسن، دليل الناسك، بي جا.
۱۳. حلي (محقق)، جعفر بن حسن، جامع المقاصد في شرح القواعد، مؤسسه آل البيت (عليهم السلام)، ۱۴۱۵.
۱۴. حلي، ابن داوود، كتاب الرجال، بيروت: منشورات الشريف الرضي، ۱۳۹۲.
۱۵. حلي، نجم الدين، شرايع الاسلام، دار الزهراء (عليها السلام)، ۱۴۰۹.
۱۶. حلي (علامه)، حسن بن يوسف، رجال العلامة الحلي، ج ۱، منشورات الرضي، ۱۳۸۱.
۱۷. حلي (ابن ادريس)، محمد بن احمد، السرائر الحاوي لتحرير الفتاوى، قم: جماعه المدرسين في الحوزة العلمية بقم، ۱۴۲۸.
۱۸. خوئي، سيد ابوالقاسم، معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، ج ۱، مركز نشر

الثقافة الإسلامية في العالم، ١٣٧٢.

١٩. _____ المعتمد في شرح المناسك، قم: لطفی، ١٤٠٩.
٢٠. _____ معجم رجال الحديث و تفصيل طبقات الرواة، بی جا، ١٣٧٢ هـ.ش.
٢١. _____ مناسك الحج، قم: مهر، ١٤١١ هـ.ق.
٢٢. _____ موسوعة الإمام الخوئي، قم: مؤسسة إحياء آثار الامام الخوئي، ١٤١٨ هـ.ق.
٢٣. روحاني، محمدصادق، منهاج الصالحين، به شرح مصطفی محمد مصري عاملي، بيروت: دار بلال، ١٤٣٥ هـ.ق.
٢٤. سبحانی تبریزی، جعفر، الحج في الشريعة الإسلامية الغراء، قم: مؤسسه امام صادق عليه السلام، ١٣٨٢ هـ.ش.
٢٥. _____ أصول الحديث وأحكامه في علم الدرّاية، دار إحياء التراث العربي، ١٤٢٨.
٢٦. سند، محمد، العروة الوثقى، به قلم محمد كاظم بن عبد العظيم يزدي، بيروت: مؤسسة ام القرى، ١٤٢٦ هـ.ق.
٢٧. شبيري زنجاني، موسى، كتاب نكاح، ج ١، موسسه پژوهشی رای پرداز.
٢٨. _____ مناسك الحج، نشر مشرقين، ١٣٧٩ هـ.ش.
٢٩. صدر، محمدباقر، موسوعة الشهيد السيد محمد باقر الصدر، قم: پژوهشگاه علمی تخصصی شهيد صدر (دار الصدر)، ١٤٣٤ هـ.ق.
٣٠. طباطبائي قمی، تقی، مصباح الناسك في شرح المناسك، به تصحيح غالب سيلوي، قم: محلاتی، ١٤٢٥ هـ.ق.
٣١. طبرسي، فضل بن حسن، مكارم الاخلاق، نغمه قرآن، ١٤٣٠.
٣٢. طوسی، محمد بن حسن، الغيبة، مؤسسة المعارف الإسلامية، ١٣٩٨.

۳۳. _____، نه‌ایة فی مجرد الفقه و الفتاوی، دارالکتب العربی، ۱۴۵۵.
۳۴. _____، تهذیب الاحکام فی مسائل الحلال و الحرام.
۳۵. _____، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۳.
۳۶. علوی عاملی، احمد بن زین العابدین، مناهج الأخبار فی شرح الاستبصار، بی جا.
۳۷. فخرالمحققین، محمد بن حسن، ایضاح الفوائد فی شرح إشکالات القواعد، به اهتمام محمد حسین کوشان پور، به تصحیح عبد الرحیم بروجردی و حسین موسوی کرمانی و علی پناه اشتهاردی، قم: اسماعیلیان، ۱۳۸۷ ه.ق.
۳۸. فیض کاشانی، محمد محسن، کتاب الوافی، عطر عترت، ۱۴۲۷.
۳۹. کشی، محمد بن عمر، اختیار معرفة الرجال، مؤسسة آل البيت علیهم السلام، ۱۳۴۸.
۴۰. کلباسی، ابوالمهدی، سماء المقال فی تحقیق علم الرجال، بی جا، ۱۳۳۲.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، المكتبة الاسلامیة، ۱۳۴۲.
۴۲. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۸۸.
۴۳. مصباح یزدی، محمد تقی، انسان سازی در قرآن، قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۹۳.
۴۴. حلی (محقق)، علی بن حسین، جامع المقاصد فی شرح القواعد، به تحقیق مؤسسة آل البيت علیهم السلام، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۱۴ ه.ق.
۴۵. مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الفقاهة فی شرح تحریر الوسيلة، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رضی الله عنه، ۱۳۸۹.
۴۶. _____، مناسک الحج، قم: مدرسة الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام، ۱۴۱۶ ه.ق.
۴۷. موسوی سبزواری، عبدالاعلی، مهذب الأحکام فی بیان الحلال و الحرام، قم، ۱۴۱۳ ه.ق.

٤٨. نجاشى، احمد بن على، الرجال، قم: جماعة المدرسين فى الحوزة العلمية بقم، ١٤٠٧.
٤٩. نورى همدانى، حسين، مناسك الحج، قم: مكتب آية الله العظمى النورى الهمدانى، ١٤٣٠ هـ.ق.
٥٠. هاشمى شاهرودى، محمود، مناسك الحج، بى جا.
٥١. وحيد خراسانى، حسين، مناسك الحج، قم: مدرسة الامام باقر العلوم عليه السلام، ١٤٢٨ هـ.ق.
٥٢. نجفى، محمد حسن، جواهر الكلام فى شرح الاسلام فى شرح شرائع الاسلام، تهران: مكتبة الاسلامية، ١٤٠٤.

